



آیت الله رضائی مطرح کرد؛ جایگاه جهان بینی توحیدی در بینش انسان/ راه رسیدن به حقیقت هستی

آیت الله رضائی گفت: انسان اگر با منطق مادی با جهان هستی رو به رو شود حتی امید به حیات و زندگی برایش جلوه ای ندارد.

آیت الله رضائی گفت: انسان اگر با منطق مادی با جهان هستی رو به رو شود حتی امید به حیات و زندگی برایش جلوه ای ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح خطبه های نماز جمعه هامبورگ به امامت آیت الله رضائی است که در ادامه می خوانید؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الحمد لله الذى لا مُضادَّ له فى مُلكه و لا مُنازَعَ له فى أمره. الحمد لله الذى لا شريك له فى خلقه ولا شبهه له فى عَظَمَتِهِ (جزء من دعاء الإفتتاح) وصَلَّى الله على سَيِّدنا وَنَبينا مُحَمَّدٍ صَلَّى الله عليه وعلى آله الطاهرين واصحابه المنتجبين.

عبادالله ! أوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتّباع امره و نهيه.

برخی بر این باورند که آرامش روحی با ابزار مادی و مظاهر آن در این دنیا بوجود می آید، که البته این اندیشه و اعتقاد صحیح نمی باشد. زیرا در این که انسان با تفکر و اندیشه صحیح و درست پیرامون جهان اطراف خود و خدای تعالی و باور به مخلوق بودن نظام هستی، به آرامش دست می یابد جای هیچ شک و تردیدی نیست. لذا می بایست این اعتقاد و باور در ایشان تقویت و گسترش یابد.

بر همین اساس انسان همواره باید درباره این نوع پرسشها درنگ و تأمل نماید! که ما انسانها برای چه خلق شده ایم؟ چرا باید از این دنیا سفر کرده و به سرایی دیگر منتقل شویم؟ به کجا خواهیم رفت؟ و سرگذشت ما چه خواهد شد؟ آیا این همه رنج و زحمت و مصیبت و مشکلات در حیات کوتاه این دنیا که همه آدمیان به نوعی با آن درگیر بوده و مواجه می شوند، ارزش آن را دارد که در آن چند صباحی زندگی کرده و زود بار سفر را بسته و به سرای ابدی برود؟ در حقیقت چه پاسخی می توان به این پرسش اساسی داد؟ همچنین بسیار جالب است در یک بررسی و تحلیل کوتاه از عمر این دنیا پرسشهای بیشتری متوجه انسان می شود که چرا به دنیا آمدنش همراه با نادانی و ناتوانی است؟

چرا پس از مدتی کوتاه توانا و آگاه می شود؟ چرا تا جوانی را خوب تجربه نکرده به سمت پیری و ناتوانی و انواع محرومیت ها و بیماری ها سیر می کند؟ حتی هر علم و دانش و ثروتی که اندوخته است را باید کنار گذاشته، و به سوی مرگ و نیستی روانه شود! [۱] این نوع پرسشها برای همه افراد انسان وجود دارد؛ هرچند برخی به خاطر جدی بودن این سؤالات از آن گریزانند. زیرا در صورت یافتن پاسخ این پرسشها، انسان به وجدان و فطرت حقیقی خود بر می گردد و به فکر فرو می رود، و مترصد می شود که روح تشنه خود را با پاسخهای صحیح سیراب و آرام نماید.

تفکر و اندیشه صحیح راه رسیدن به حقیقت هستی

انسان اگر با اندیشه ورزی و تفکر صحیح درباره خود و جهان اطرافش به دنبال رسیدن به حقیقت باشد، ممکن است به یک سری باورهای جدید رسیده و خود حقیقی اش را پیدا کند، و از این سرگشتگی و حیرانی و اضطراب و دلهره رها شود. چرا که بدون شک تفکر مادی و نگاه مادی گرانه قادر به پاسخگویی مسائل ایشان و آرامش روحی برای او نخواهد بود. زیرا در نگاه های مادی و حس گرایانه محض، پاسخ دادن به این پرسش ها ممکن نیست. بدین بیان فردی که همه وجودش را مسائل مادی و تجربی محصور نموده، نمی تواند بفهمد که از کجا آمده ؟ آمدنش بهر چه بوده؟ و به کجا خواهد رفت؟ و مهم تر از همه چگونه می تواند خود را به آرامش درونی برساند؟

انسان اگر با منطق مادی با جهان هستی رو به رو شود حتی امید به حیات و زندگی برایش جلوه ای ندارد، اما هنگامی که تفکر وی نسبت به هستی برگرفته از ایمانی مذهبی، اندیشه ای الهی و معنوی و ارزشی باشد، همه این پرسشها

با پاسخی صحیح و درست مواجه خواهد گردید! و نشاط و طراوت و بلکه امید به زندگی واقعی فضای فکر و اندیشه او را پر خواهد نمود.

جایگاه جهان بینی توحیدی در بینش انسان

در جهان بینی الهی آدمیان به تفسیر عمیقی از خود و جهان و خداوند متعال خواهند رسید، و دوران گذرا و کوتاه عمر را درست معنا خواهند نمود، و فلسفه سیر طبیعی عمر را از کودکی به جوانی و به پیری و مرگ، و انتقال به جهانی وسیع و پر معنا را به درستی تفسیر خواهند نمود. و در پس آن به این جمع بندی خواهند رسید که حیات واقعی در «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» و آخرت انسانی است. چرا که ذات اقدس ربوبی در این خصوص می فرماید: «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند! [۲]. بر این اساس دنیا گذرگاه و مسافرخانه ای بیش نیست، لذا باید در این سفر دنیایی به قدر نیاز از آن بهره مند شد، و توشه برداشت.

لذا قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَتَسَوَّيْنِ مِنَ الدُّنْيَا»؛ و بهره و ات را از دنیا فراموش مکن [۳]. از این رو انسان می بایست همه چیز خود را برای سفری ابدی مهیا سازد که البته این امر با اندیشه ورزی صحیح ممکن خواهد بود. نکته ای که ذکر آن قابل توجه است، این است که تفسیر زندگی ابدی در این دنیا ممکن نیست. لذا انسان باید خود را برای ابدیت و جاودانگی جهت داده، و روح خود را برای آن مقصد تربیت نماید.

ایشان در این میدان مبارزه و مقابله با تمایلات نفسانی و خواهشهای مادی باید تلاش نموده و آنچه را که زودگذر است به سمت ابدیت سوق و جهت دهد. زیرا خداوند وعده داده است که هرکس در این مسیر گام بردارد، نصرت و یاری و هدایت او را به همراه خواهد داشت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه رهنمون خواهیم کرد [۴]. همچنین در جای دیگر فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثِّبَ أَقْدَامَكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد [۵]. یعنی اگر آدمیان در راه حق گام نهند از یاری خدای متعال بهره مند خواهند شد.

شهید مطهری در مقایسه دو تفکر مادی و الهی بر این باور است که «از اثرات ایمان مذهبی از نظر تولید بهجت و انبساط، امیدواری»؛ به نتیجه خوب تلاش است. از نظر منطق مادی، جهان نسبت به مردمی که در راه صحیح و یا راه باطل، راه عدالت یا راه ظلم ... می روند بی طرف و بی تفاوت است. نتیجه کارشان تنها به یک چیز بسته است «مقدار تلاش و بس»؛ ولی در منطق فرد با ایمان، جهان نسبت به تلاش این دو دسته بی طرف و بی تفاوت نیست، بلکه دستگاه آفرینش حامی مردمی است که در راه حق و حقیقت و درستی عدالت و خیرخواهی تلاش می کنند [۶]. در قرآن کریم هم چنین بیان شده است: «إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ»؛ اگر خدا را یاری کنید و در راه حق گام بردارید خداوند شما را یاری می کند. و نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ خداوند پاداش نیکوکاران را [هرگز] تباه نمی کند [۷].

ایمان و مذهب به انسان که یک طرف معامله است و نسبت به جهان، که طرف دیگر معامله است اعتماد و اطمینان می بخشد. لذا دلهره و نگرانی انسان نسبت به رفتار جهان در برابر وی را زایل می سازد، و به جای اضطراب و نگرانی به او آرامش خاطر می دهد. به همین دلیل معتقدیم یکی از آثار ایمان مذهبی آرامش خاطر است.

با توجه به مطالبی که عنوان شد تفکر دینی و مذهبی برگرفته از ایمان اگر به شکل صحیح جهت داده شود، همه پرسشهای مربوط به انسان به صورت قانع کننده ای پاسخ داده می شود؛ و زندگی و گذر عمر در این دنیا را به بهترین شکل تفسیر خواهد نمود. بر این اساس زندگی در آخرت را مطابق با خواسته فطری خود، یعنی جاودانگی معنا خواهد کرد. همچنین این مهم به دست می آید که با روشهای غیر دینی و مذهبی نمی توان به پاسخ های منطقی دست یافت.

[۱]. فروغی، سیر حکمت در اروپا، ج ۳، ص ۵۲۴ و ۲۵۵.

[۲]. العنکبوت/۶۴.

[۳]. القصص/۷۷.

[۴]. العنكبوت/۶۹.

[۵]. محمد/۷.

[۶]. مطهری، مرتضی&rlm؛ انسان و ایمان(مجموعه آثار)، ج ۲، ص ۴۵، تهران - قم&rlm؛، صدرا، چ هشتم، ۱۳۷۷ش.&rlm؛

[۷]. التوبة/۱۲۰.